

[مفهوم داشتن الا استثنا 1](#_Toc91528374)

[اشکال ابوحنیفه به مفهوم داشتن الا 1](#_Toc91528375)

[اشکالات مرحوم آخوند بر ابوحنیفه 2](#_Toc91528376)

[اشکال اول مرحوم آخوند 2](#_Toc91528377)

[اشکال به مرحوم آخوند 2](#_Toc91528378)

[جواب استاد به اشکال 2](#_Toc91528379)

[جواب دوم مرحوم آخوند 3](#_Toc91528380)

[اشکال به مرحوم آخوند 3](#_Toc91528381)

[اشکال سوم مرحوم آخوند 3](#_Toc91528382)

[اشکال استاد به مرحوم آخوند 3](#_Toc91528383)

[مفهوم داشتن الا استنثا به وسیله کلمه توحید 4](#_Toc91528384)

[اشکال به دال بودن لا اله الا الله بر توحید 4](#_Toc91528385)

[جواب مرحوم آخوند 4](#_Toc91528386)

**موضوع**: بررسی کلمات /مفهوم غایه /مفاهیم

# مفهوم داشتن الا استثنا

مفهوم داشتن الا استثنا واضح است.[[1]](#footnote-1) اصلا بعضی گفته اند که این مطلب از منطوق استفاده می­شود. جائنی القوم الا زیدا، استنثای از مثبت، منفی است و بالعکس. این مطلب بحثی ندارد. ولی وقتی که یک دیوانه سنگی به چاه می­اندازد.....

## اشکال ابوحنیفه به مفهوم داشتن الا

ابوحنیفه استناد کرده به مثل لا صلاة الا بطهور، لا صلاة نفی است و استنثای از آن مثبت است و معنایش این است که طهور صلات است در حالی که درست نیست. به ضمیمه این مطلب که احساس مجازیتی از این صیاغت هم نداریم. این همه استعمالات کثیره داریم و احساس مجاز نمی­کنیم؛ پس معلوم می­شود که الا برای نفی حکم از مستثنی نسبت به مستثنی منه وضع نشده است.

### اشکالات مرحوم آخوند بر ابوحنیفه

#### اشکال اول مرحوم آخوند

مستثنی منه در مثال مذکور، صلات جامع شرایط و اجزا است. یعنی با طهور صلات جامع محقق می­شود. مراد از لا صلاة، صرف و طبیعت صلات نیست؛ بلکه مراد صلات تام الاجزا و الشرایط است. یا به تعبیر دیگر همان صلات مامور بها وقتی که طهور ضمیمه می­شود، این صلات ماموربها محقق می­شود. به خاطر این که این جزء مهم است این گونه تعبیر می­شود؛ نه اینکه نماز تام الاجزا و الشرایط نیست، مگر طهور؛ یعنی طهور صلات تام الاجزا و الشرایط است.

##### اشکال به مرحوم آخوند

بعضی گفته اند: نمی­شود مراد صلات تام الاجزا باشد؛ چرا که نماز تام الاجزا به حسب اشخاص و ازمان و امکنه متفاوت است. این بحث در صحیح و اعم مطرح شده است. لازمه مطلب مرحوم آخوند این است که در حق هر کسی یک چیز باشد. لا صلات تام الاجزا در حق مسافر معنایش این است که لا صلات دو رکعتی مگر با طهور و هکذا.... نمی­شود بگوییم صلات در طبایع و مصادیق عدیده استعمال شده است؛ بلکه باید بگوییم طبیعی نماز و صرف الوجود نماز. در بحث صحیح و اعم شبیه این اشکال گفته شده که نمی­تواند نماز برای صحیح وضع شده باشد چرا که چنین اشکالی پیش می­اید.

###### جواب استاد به اشکال

مستشکل صلات را مصادیق تام الاجزا گرفته و گفته است که نمی­تواند این گونه باشد. ما می­گوییم مفهوم صلات تام الاجزا و الشرایط است که عنوان مشیر به مصادیق مختلف است. ما صلات را در صلات تام و ماموربها استعمال کردیم که مصادیق آن مختلف است. همان نمازی که امر کرده با طهارت محقق می­شود. مثل الصلاة قربان کل تقی که احساس نمی­کنیم صلات در مصادیق عدیده استعمال کرده است. مثلا الصلاة قربان کل تقی، صلاتی که مطلوب شارع است قربان کل تقی است که مصادیق مختلفی دارد.

همین جواب را در صحیح و اعم گفته اند. اگر برای صحیح وضع شده باشد اجمالا قابل تصور است. یعنی همان نمازی که تمام اجزا است، هر چند که مصادیق آن مختلف باشد.

به نظر می­آید وقتی که مرکبی را نفی می­کنند و بعد جزئی یا شرطی استثنا می­کنند ظاهرش این است که کل مرکب نفی شده است و بعد به ضمیمه آن جزء می­گوید مرکبی که تام الاجزا و الشرائط دارد، نمی­شود مگر این که طهارت هم جزء آن باشد. آن مرکب، تام نمی­شود مگر این که فلان جزء باشد. مرکبی که می­خواهد تام باشد اگر می­خواهد تام باشد باید این جزء هم مرکب بشود. می­خواهد بگوید این جزء مهم است و کامل که یکی از آن همین مرکب، طهارت است و مرکب بدون آن محقق نمی­شود.

#### جواب دوم مرحوم آخوند

اگر بگوییم در اینجا مفهوم ندارد و طهور نماز نیست به خاطر وجود قرینه است. قرینه کل و جزء بودن است. این که نمی­شود طهور نماز باشد به خاطر این است که جزء است. جزئیت باعث شده است که طهور نماز نباشد.

##### اشکال به مرحوم آخوند

فرمایش مرحوم آخوند این است که تسامح وجود دارد. اگر بنا باشد در اینجا مفهوم نباشد یعنی مجاز و عنایت است در حالیکه ما هیچ عنایتی احساس نمی­کنیم. این همه استعمالات کثیره مجاز باشد، بعید است. پس اشکال دوم مرحوم آخوند خلاف ارتکاز است.

#### اشکال سوم مرحوم آخوند

ایشان در هامش فرموده است: خبر لا صلاة، ممکن است؛ نه موجود. صلات ممکن نیست؛ مگر با فاتحه الکتاب که صلات با آن امکان پیدا می­کند. با این جزء مهم امکان دارد که نماز اتیان شود و بدون آن امکان ندارد. مفهوم هم محقق است. در تقریرات هم این جواب را تایید کرده است.

##### اشکال استاد به مرحوم آخوند

استفاده ممکن از این جملات بعید است. در ذهن مردم وجود و عدم مطرح است. حمل لا صلاة بر ممکن، عرفیت ندارد. علاوه بر این، لا صلات خبر ندارد. لای نفی جنس که ادبا گفته اند اسم و خبر دارد، صحیح نیست. معنای جمله این است که نماز نیست. لا رجل یعنی مردی نیست. نه این که مردی موجود نیست. این مطلب را در بحث آتی مطرح می­کنیم و مرحوم نائینی تذکر می­دهد. شاید در ذهن شما این مطلب بوده است که این همه لای نفی جنس داریم و محذوف است. این چه وضعی است که این مقدار محذوف است؟

حرف مرحوم آخوند این است: صلات به طهور ممکن است؛ ولی موجود نیست. ابوحنیفه می­گفت صلا با طهور موجود است.

نتیجه: جواب متین مرحوم آخوند همان جواب اول است. وقتی که مرکبی را مستنثی منه قرا رمی­دهند و جزئی یا شرطی را استثنا می­کنند معنایش این است که کل محقق نیست مگر این که این جزء هم بیاید.

### مفهوم داشتن الا استنثا به وسیله کلمه توحید

بعضی بر مفهوم داشتن الا استثنا استدلال به کلمه توحید کرده­اند. لا اله الا الله. وقتی می­تواند این جمله کلمه توحید باشد که الا دال بر حصر باشد. اگر الا دلالت بر مفهوم نداشته باشد و نگوید فقط خدا هست؛ پس نباید توحید باشد. توحید بودن نیاز به دلالت داشتن الا بر حصر است.

#### اشکال به دال بودن لا اله الا الله بر توحید

به همین مناسبت یک اشکالی بر اصل این که چگونه کلمه توحید است، مطرح شده. بیان مطلب: قوام توحید به دو چیز است: یکی به این که خداوند موجود است و یکی هم غیر الله محال و ممتع است. توحید یعنی یکی بودن خدا ضروری است. اگر خدا باشد و غیر او هم ممکن است باشد، فایده ندارد. جمله لا اله الا الله نمی­تواند این دو را بیان کند چرا که خبر لا اله یا موجود است، فقط اعتراف به وجود خداوند است و یا خبر لا اله، ممکن است، رکن دوم هست و امکان غیر نفی شده است ولی اعتراف به وجود نشده است. در یک تقدیر اعتراف به وجود هست و نفی امکان غیر نیست و در تقدیر دیگر نفی امکان غیر هست ولی اعتراف به وجود نیست. اگر دو خبر داشته باشد، خلاف ظاهر است چرا که لا نفی جنس یک خبر دارد.

#### جواب مرحوم آخوند

ما لا اله الا الله را واجب الوجود معنا می­کنیم که بالالتزام غیر را نفی می­کند. اعتراف به وجود با مدلول مطابقی و نفی امکان غیر با مدلول التزامی.

ادامه بحث در جلسه آینده.

1. مقرر: ابتدای جلسه خوب ضبط نشده بود و بنده تلقی نکردم. [↑](#footnote-ref-1)